

مشکلات ریشه در داخل کشور داشته و به برخی مشکلات ساختاری اقتصاد کشور همچون وابستگی به نفت، ضعف نظام بانکی و گمرکی و مالیاتی، بوروکراسی دست‌وپایگیر، ضعف در خصوصی‌سازی، فقدان شفافیت لازم، ضعف برنامه‌ریزی، سوء مدیریت و عملکرد مسئولان، ضعف روحیه انقلابی و جهادی، تفکر نادرست حاکم بر برخی افراد و جریان‌های حاکم در عرصه اقتصادی کشور، تلاش برای نسخه‌برداری از اقتصاد لیبرال و سرمایه‌داری، عدم باورمندی به اقتصاد مقاومتی و بومی و… باز می‌گردد. این ضعف‌ها موجب آسیب‌پذیری اقتصاد کشور در برابر تحریم‌ها و فشارهای دشمنان می‌گردد.

**• آیا احترام و اقتصاد ایرانیان در زمان شاه بالاتر نبود؟**

احترام کشورمان قبل از انقلاب، نه به دلیل خود ایران، بلکه به اعتبار وابستگی به آمریکا بود. ایران جزیره ثبات این کشور و حافظ منافع آن محسوب می‌شد و از این جهت، در ظاهر مورد احترام وابستگان به این کشور بود؛ اما هویت و عزت ایران و ایرانی در سایه وابستگی به بیگانگان از بین رفته بود و با قرارداد کاپیتولاسیون لگدمال شده بود. با این وجود، می‌توان از احترام سخن گفت؟

خوب‌بودن وضعیت اقتصادی در دوره شاه، ادعایی است که در راستای تظهِیر چهره منحوس رژیم پهلوی صورت گرفته و سال‌هاست که با تبلیغات رسانه‌ای گسترده مطرح می‌شود؛ اما بر اساس اسناد تاریخی، اوضاع اقتصادی مردم در زمان شاه نه‌تنها عالی نبوده، بلکه بسیار آشفته و ناسامان بوده تا جایی که حتی برخی از سلطنت‌طلبان نیز به این مسئله اذعان دارند. به‌عنوان نمونه هویدا در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «علی‌رغم برکناری زاهدی، اوضاع اقتصادی کشور روز به روز بدتر می‌شد. گرچه که بعد از سقوط مصدق، بهره‌برداری از نفت ایران راکنسرسیومی متشکل از کمپانی‌های غربی به عهده گرفت و درآمد ایران هم از بابت فروش نفت (به‌صورت دریافت ۵۰٪ سود)، به‌مراتب بیشتر از گذشته شد؛ ولی به‌خاطر فساد گسترده و عدم کارایی در امور کشور، تمام درآمد نفتی به‌هدر می‌رفت و یک بار دیگر، ایران در معرض تهدید و ورشکستگی قرار گرفته بود.» (فریدون هویدا، سقوط شاه، ترجمه ج. ا. مهران، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۵، صص ۱۳۴–۱۳۳)

به طبق برآورد آمریکایی‌ها از اوضاع اقتصادی ایران، با ادامه حکومت پهلوی، ایران جزء بدیهکارتزین کشورهای جهان می‌شد؛ چراکه سیاست‌های محمدرضاشاه علی‌رغم افزایش قیمت نفت تا پیش از سال ۵۵، تنها به توسعه نظامی در ایران منجر شد؛ اقدامی که تنها هدررفت پول نفت کشور را به‌همراه داشت؛ چراکه از طرفی موجب رونق کارخانه‌های اسلحه‌سازی آمریکایی می‌شد و از طرفی به‌دلیل عدم دخیل کردن ایرانیان در ایجاد مهارت برای کارکردن با ادوات نظامی، موجبات ورود هرچه بیشتر مستشاران آمریکایی را به‌همراه داشت.

از طرفی باید به این مسئله نیز توجه‌کرد که عواید افزایش درآمد‌های نفتی در آن برهه، تنها برای خوشگذرانی و فساد رژیم پهلوی صرف می‌شد و مردم عادی، نفعی در این مسئله نداشتند.(www.yjc.ir)

فرانس فیتزجرالد، نویسنده سرشناس آمریکایی، مشاهداتش در ایران را در سال ۱۳۵۳ در مقاله‌ای به‌نام «به شاه هرچه می‌خواهد بدهید؛» «giving the shah everything he wants» که در یکی از مجلات آمریکا چاپ شد، آورده است: «وضعیت ایران به‌طور کلی به‌مراتب بدتر از کشوری مانند سوریه است که نه نفت و نه ثبات سیاسی دارد. به این دلیل که شاه برای توسعه کشور، هرگز تلاش جدی نکرده است… ثروت کشور بیشتر به سوی خودروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و نه آموزگاران، سرازیر شده است.» (www.rajanews.com) جان فوران استاد دانشگاه کالیفرنای آمریکا، از وضعیت تغذیه و بهداشت در جامعه ایران در زمان پهلوی دوم این‌گونه می‌نویسد: «۶۵ درصد شهرنشینان در سال ۱۳۵۲–۱۳۵۱ش دچار سوء تغذیه بودند (که ۲۵ درصد این‌ها وضع تغذیه شان بسیار بد بود) و این در مقایسه با ۴۲ درصد در روستاها، رقم بسیار بالایی است. آمار و ارقام بهداشتی نشان می‌دهد که بر تعداد تخت‌های بیمارستان، کلینیک‌ها، پزشک و پرستار افزوده شده؛ اما در سال ۱۳۵۶ ایران هنوز در خاورمیانه بدترین نسبت پزشک– بیمار، بالاترین نرخ مرگ و میر نوزادان و اطفال و پایین‌ترین نسبت تخت بیمارستان به جمعیت را دارا بوده است.» (جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ص ۴۹۲)

وی در مورد وضعیت روستاها در این دوره می‌نویسد: «به رغم ایجاد مدرسه‌های روستایی توسط سپاه دانش، تن‌ها ۱۵ درصد روستاییان در سال ۱۳۵۰ ش از تحصیلات ابتدایی برخوردار می‌شدند و در سال ۱۳۵۴ش، ۶۰ درصد مردان و ۹۰ درصد زنان روستایی بی سواد

## نگاهی گذرا به خیانت‌های خاندان پهلوی در ایران

ادامه از صفحه ۳

حضرت امام خمینی رحمه‌الله می‌فرمایند: «زن در دو مرحله مظلوم بوده است؛ یکی در دوران جاهلیت و اسلام منت گذاشت بر انسان و زن را از آن مظلومیتی که داشت، بیرون کشید. مورد دیگر در ایران ما، زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق و شاه لاحق بود. با اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند، ظلم‌ها کردند به زن، زن را از آن مقام شرافت و عزّت که داشت، پایین کشیدند، زن را از آن مقام معنویت که داشت، شیء کردند و به اسم آزادی، آزاد زنان و آزاد مردان، آزادی را از زن و مرد سلب کردند و زن‌ها را و جوانان ما را فاسد‌الاخلاق کردند…»<sup>۳۱</sup>

رضاخان درواقع مجری فرامین غرب در اسلام‌زدایی بود؛ در ۱۰ سپتامبر ۱۹۳۰م/۸ شهریور ۱۳۰۹، یازدهمین مجمع بین‌المللی سازمان ملل آغاز به‌کار کرد که در آن، هشت نخست‌وزیر و بیست و دو وزیر امور خارجه شرکت داشتند. رفتار شرقیان در دستور کار این مجمع قرار گرفت. به دنبال آن، در سال ۱۳۱۰ مجلس شورای ملی، قانون ورود کمیسوینی از طرف جامعه بین‌الملل را برای جلوگیری از تجاوز به حقوق زن در شرق، تصویب کرد. از این پس، نخستین سیاست‌گذاری‌های حکومت در زمینه کشف حجاب تحقق یافت. ترتیب جشن‌های مختلف در مدارس دخترانه

## انقلاب اسلامی

## و پاسخ به برخی از شبهات

## مربوط به آن

بودند. در سال‌های دهه ۱۳۵۰ش، ۹۶ درصد روستاها برق نداشتند.» (همان، ص ۴۷۷)

وی همچنین در مورد وضعیت صنعت کشور در زمان پهلوی دوم در مقایسه صنعتی ایران با سه کشور هندوستان، سنگاپور و مکزیک چنین می‌نویسد: «سهم صنعت در تولید ناخالص ملی ۱۸ درصد بود و به‌مراتب از سهم خدمات (۳۵درصد) و نفت (۳۵ درصد) در ۱۳۵۷–۱۳۵۶ش کمتر می‌شد و دیگر اینکه صادرات صنعتی غیرنفتی تنها ۲ تا ۳ درصد همه صادرات ایران در سال ۱۳۵۴ ش را تشکیل می‌داد که در مقایسه با کشورهایی مثل هندوستان (بیش از ۵۰ درصد)، سنگاپور (۶۰ درصد) و مکزیک (۳۳درصد) بسیار ناچیز می‌نمود.» (همان، ص ۴۸۴)

دکتر یرواند آبراهامیان استاد دانشگاه شهر نیویورک، آمار وحشتناکی را در خصوص وضعیت پزشکان و تحصیل در زمان پهلوی دوم بیان می‌کند که نشان از اوضاع بسیار بد کشور داشته است: «انقلاب سفید محمدرضاشاه پهلوی و در پی آن رونق درآمد نفت، به‌جای پاسخگویی به انتظارات عمومی، موجب افزایش نارضایتی‌های گسترده‌شد. درست است که اجرای برنامه‌های اجتماعی در بهبود وضعیت آموزشی و امکانات بهداشتی بسیار مؤثر بود؛ اما این نکته نیز صحت دارد که ایران پس از دو دهه، یکی از بدترین کشورها در بخش مرگ و میر کودکان و نسبت پزشک به بیمار در خاورمیانه بود. یکی از پایین‌ترین نرخ‌های آموزش عالی مربوط به این کشور بود. افزون بر این، ۶۸ درصد از جمعیت بزرگسال بی‌سواد بودند، ۶۰ درصد از کودکان نمی‌توانستند دوره دبستان را به‌صورت کامل طی کنند و تنها ۳۰ درصد از داوطلبان کنکور می‌توانستند وارد دانشگاه‌ها شوند. در این میان شمار افراد متقاضی تحصیل در خارج از کشور رو به رشد بود. در دهه ۱۹۷۰/۱۳۵۰ شمار پزشکان ایرانی مستقر در نیویورک، بیشتر از شهرهای غیر از تهران بود.» (یرواند آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، ص ۲۵۵–۲۵۳)

بنا به گزارش مؤسسه هادسن «Hudson Institute» یکی از مهمترین اتاق‌های فکر که در تدوین و طراحی سیاست‌های کلان ایالات متحده که امروزه نیز همچنان نقش جدی و تأثیرگذار دارد، در ۱۹۷۵م/۱۳۵۴ ش، حتی اگر ایران به نرخ رشد پیش‌بینی‌شده حاصل از سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی دست یابد، در سال ۱۹۸۵م/۱۳۶۴ش «اقتصادش از اقتصاد هندوستان بهتر نخواهد بود و اگر از مکزیک عقب نباشد، حداکثر به سطح آن کشور خواهد رسید.» (www.rajanews.com)

مقایسه وضعیت اقتصادی کشور پیش و پس از انقلاب و پیشرفت‌ها و دستاوردهای به دست‌آمده در بخش‌های مختلف، به‌خوبی گویای رشد و پیشرفت کشور نسبت به قبل از انقلاب است. در زمینه رشد اقتصادی کشور، توجه به میزان سرانه درآمد ملی و تولید ناخالص داخلی، به‌خوبی بیانگر وضعیت اقتصادی کشور در مقایسه با یکدیگر است. در این زمینه براساس آمارهای بانک جهانی به این سه محور اشاره می‌کنیم:

- سرانه درآمد ملی**

سرانه درآمد ناخالص ملی، شاخصی است که از تقسیم مجموع درآمد ناخالص ملی یک کشور بر تعداد جمعیت آن به دست می‌آید. بر اساس آمارهای بانک جهانی، در دوران پهلوی سرانه درآمد ملی ایرانیان، بین ۲۶۰ تا ۲۲۰۰ دلار بوده است؛ اما در دوران پس از انقلاب، با وجود دو سه برابرشدن جمعیت کشور، سرانه درآمد ملی ایرانیان به رکوردهای بالاتر از ۷۰۰۰ دلار هم رسیده است که نشانه افزایش چند صد درصدی نسبت به قبل از انقلاب است.

- درآمد ناخالص ملی**

بر اساس آمار بانک جهانی، درآمد ناخالص ملی ایران از ۳۱۶ هزار میلیارد تومان در سال ۱۹۷۹ (به قیمت‌های ثابت امروز) به حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان در سال‌های اخیر افزایش یافته که رشد حدوداً ۲ برابری نشان می‌دهد.

انجام دهد.۳۳

از جمله مفسدین مالی، شخص محمدرضا پهلوی بود که زمین‌های بنیاد پهلوی تا زمین‌های مرغوب از جنگل تا کوهستان و زمین‌ها و چراگاه‌های مردم از کوهستان تا دشت را شناسایی نموده و به قیمت‌های کلان می‌فروخت.<sup>۳۳</sup>

- فهرستی از خیانت‌های رضاخان در دوره سلطنت**

۱. کشتن شعرا، روشنفکران و ادیبانی همچون فرخی یزدی، میرزاده عشقی، واعظ قزوینی و دویت نویسنده و روشنفکر ایرانی؛
۲. تبعید و قتل نقاش بنام ایرانی، کمال‌الملک به‌جرم استفاده از بورسیه حکومت قاجار برای تحصیل در رشته نقاشی؛
۳. قلع‌وقمع عشایر ایران با سیاست تخته‌قاپوکردن با کشتار هزاران تن از آنها؛
۴. مقاومت نکردن حتی یک‌روز در برابر لشکر متفقین و تسلیم بی‌چون و چرای کشور به بیگانگان در جنگ جهانی دوم؛

۵. قتل‌عام و مجروح‌کردن بیش از ۱۵۰۰ تن از مردم عادی مشهد در مسجد گوهرشاد به‌جرم اعتراض به بخشنامه اجباری شدن کلاه‌فرنگی برای ایرانیان (کلاه‌شاپوری فرانسوی)؛
۶. قتل بیش از ۲۴ هزار تن به‌انحای گوناگون به دست مأموران امنیتی شهربانی رضاخان؛
۷. کشف حجاب و ممنوعیت عزاداری سالار شهیدان علیه السلام در ماه محرم و صفر؛
۸. قتل بی‌رحمانه معتمدان و نزدیکانش از جمله علی‌اکبر داور (مبدع ثبت اسناد و ثبت احوال)، تیمورتاش، اسعد بختیاری، نصرت‌الدوله فیروز و…؛
۹. لغو تبلیغاتی قرارداد استعماری نفتی دارسی و سپس تمدید سی‌ساله آن که کاملاً استعماری بود؛

- تولید ناخالص داخلی**

تولید ناخالص داخلی ایران (تعدیل‌شده بر اساس نرخ‌های ثابت سال ۲۰۱۰) از قبل انقلاب تاکنون تقریباً سه برابر شده است. تولید ناخالص داخلی ایران در سال‌های پایانی دوران رژیم پهلوی (تعدیل‌شده به نرخ سال ۲۰۱۰) بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار بود.

این شاخص در سالیان اخیر از ۵۴۰ میلیارد دلار هم عبور کرده است. لازم به توجه است که ارقام فوق، بر اساس نرخ‌های واقعی تولید ناخالص داخلی کشور است؛ وگرنه بر اساس نرخ‌های جاری، تولید ناخالص داخلی ایران نسبت به قبل از انقلاب که حداکثر ۹۰ میلیارد دلار بود که در سال‌های اخیر به رکورد ۶۰۰ میلیارد دلار هم رسیده و رشد ۷–۶ برابری نشان می‌دهد.(www.mashregnews.ir)

اگر روزگاری گرد محرومیت و عقب‌ماندگی بر چهره رژیم گذشته گسترده شده بود، نظام جمهوری اسلامی با تکیه بر توان جوانان و نخبگان این مرز و بوم که به آنان توجهی نمی‌شد و میدیدن روحیه خودباوری و اعتمادبه‌نفس در آنان، در عرصه‌های مختلف علمی، پزشکی، نانو، هوافضا، هسته‌ای و نظامی به دستاوردها و پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای دست یافته است که کشور ما را در میان چند کشور برتر دنیا در این زمینه‌ها قرار داده است. در عرصه رفع محرومیت و خدمات‌رسانی در بخش آب‌رسانی، برق، گاز و تلفن و راه‌سازی و بهداشت نیز تحول عظیمی در کشور به وجود آمده است و هنگامی ارزش دستاوردهای به‌دست‌آمده، بیشتر آشکار می‌شود که توجه داشته باشیم که همه این دستاوردها با وجود دشمنی‌ها، مانع‌تراشی‌ها، کارشکنی‌ها، فشارها و تحریم‌های نظام سلطه صورت گرفته است.

«افزایش شش برابری راه‌های کشور»، «۲۰ برابرشدن ظرفیت بنادر»، «۳۰ برابرشدن سدهای مخزنی»، «افزایش تولید برق به ۱۴ برابر میزان قبل از انقلاب»، «افزایش ۳۰ برابری تولید محصولات پتروشیمی و ۱۵ برابری محصولات فولادی»، ۲۵ برابرشدن تعداد دانشجویان در مقایسه با ابتدای انقلاب اسلامی»، «افزایش ۱۶ برابری تولید مقالات علمی»، «آمارهای درخشان در خدمات‌رسانی و آبادی روستاها» و «پیشرفت‌های خیره‌کننده دفاعی»، تنها بخشی از پیشرفت‌های زیرساختی کشور و نمونه‌ای از فهرست بلند خدمات چشمگیر نظام اسلامی بوده است. روزگاری برای درمان نیاز به پزشک خارجی داشتیم؛ اما امروز پزشکی ایران در سطح بین‌المللی حرف برای گفتن دارد و از کشورهای همسایه برای معالجه به کشور ما سفر می‌کنند؛ البته این به‌معنای نادیده‌گرفتن مشکلات و ضعف‌ها نیست؛ اما نشان از تحول و راه فراوان طی شده است؛ گرچه تا رسیدن به نقطه قابل قبول، فاصله وجود دارد.

نکته دیگر اینکه اعتبار یک کشور به میزان جایگاه و تأثیرگذاری آن بر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی است. امروز جمهوری اسلامی برخلاف قبل از انقلاب، به‌عنوان یک کشور تأثیرگذار در سطح منطقه و جهان شناخته می‌شود و نظام سلطه را به چالش کشیده است. این حجم گسترده از دشمنی و تلاش برای مقابله با آن از سوی دشمنان، نشانگر اقتدار و تأثیرگذاری آن است. امروز در پرتو جمهوری اسلامی، آمریکا که روزگاری در منطقه یک‌ه‌تازی می‌کرد، در حال خروج از منطقه خلیج فارس بوده و با وجود هزینه‌های هنگفت برای پیاده‌کردن نقشه‌های خود، نتوانست به اهداف خود برسد. رژیم صهیونیستی که روزی سودای از نیل تا فرات را در سر داشت، با مقاومت محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی در مرزهای جعلی خود محصور گردیده و از حزب‌الله لبنان و حماس بارها شکست مفتضحانه‌ای را متحمل شده است.

- چرا صدا و سیما واقعیت‌ها را نمی‌گوید؟**

اینکه صداوسیما باید اطلاع‌رسانی بهتر و مناسب‌تری داشته باشد و واقعیات را به‌طور شفاف برای مردم بیان کند، در جای خود حرف درستی است؛ در عین حال رسانه ملی تلاش کرده است تا واقعیات جامعه را منعکس نماید؛ گرچه انتظار انعکاس همه آنچه در جامعه می‌گذرد، از صدا و سیما منطقی نیست؛ برخی از اخبار و مسائل، موجب تشویش و نگرانی افکار عمومی جامعه می‌شود؛ از این جهت صدا ووسیما نمی‌تواند بدون برخی ملاحظات، همه آنچه را که در جامعه می‌گذرد، پوشش دهد. صدا و سیما صفحه حوادث روزنامه و برخی سایت‌های خبری نیست که برای جلب مخاطب، حوادث مختلف را گاهی با آب و تاب و شگردهای رسانه‌ای منتشر می‌کنند.

رسانه‌های کشورهای مدعی آزادی نیز نه‌تنها همه اخبار و واقعیات جامعه خود را پوشش نمی‌دهند، بلکه برعکس با وجود مشکلات فراوانی که در این کشورها وجود دارد، تصویری رژیایی از وضعیت کشورهای خود برای سایر کشورها به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته ارائه می‌دهند تا آنان را به الگوبری از الگوی توسعه غربی ترغیب نمایند و به‌ویژه مردم ما را از پیمودن راه خود، مأیوس و دلسرد کنند.

<p>احزاب، ج اول، سیاسی، ج ۲، ص ۱۰۴.</p> <p>۹. مکی، «پیشین» ج ۳، ص ۳۲۰، ۴۰۰ و مدنی، «پیشین» ص ۲۲۵، ۲۰۱ و شمیم، «پیشین» ص ۶۲۴ و بهنود، «پیشین» ص ۷۴، ۶۶.</p> <p>۱۰. صحیفه‌نور (وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی)، ج ۲۱، ص ۴۱۹.</p> <p>۱۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۷، ص، ۳۹۰.</p> <p>۱۲. اعظام قدسی۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۹۳.</p> <p>۱۳. همان، صص ۶۹۳–۶۹۲.</p> <p>۱۴. بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، صص۱۱۴۱.</p> <p>۱۵. مکی، تاریخ بیست ساله، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۱۹.</p> <p>۱۶. سید حسین بدلا، خاطرات، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۲۲–۲۳.</p> <p>۱۷. حائری، عبدالهادی، آنچه گذشت، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۲، صص ۳۴–۳۳؛ جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی تاریخ ایران، چاپ پنجم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۳.</p> <p>۱۸. عالیخانی، علی‌نقی، خاطرات علم، یادداشت‌های علم، کتاب‌سر،۱۳۷۱، ص ۱۹۱.</p> <p>۱۹. همان، ص ۲۳۲.</p> <p>۲۰. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ۱۳۷۰، جلد ۱، ص ۴۸. ص ۲۰۹. همان، ص ۲۳۶.</p> <p>۲۱. همان، ص ۲۲۸. همان، ص ۲۲۶.</p> <p>۲۲. همان.</p> <p>۲۳. همان، ص ۲۳۷.</p> <p>۲۴. مسعود انصاری، احمدعلی، من و خاندان پهلوی، ۱۳۷۰، صص ۱۶۰، ۱۶۱.</p> <p>۲۵. همان، صص ۳۹۶ و ۳۹۷. صص ۲۹۹ و ۲۷۱. عالیخانی، علی‌نقی، یادداشت‌های علم، ج ۱، ص ۲۶۵.</p> <p>۲۶. همان فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۱۵.</p> <p>۲۷. کریستین، سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ نهم، تهران، نشر ندیای کتاب، ۱۳۷۴، ص ۳۲۷؛ ضیاء‌پور، جلیل، پوشاک زنان ایران تا آغاز عصر پهلوی، وزارت فرهنگ و هنر، اداره‌کل نگارش تهران ۱۳۵۳، ص ۱۹۴.</p> <p>۲۸. مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، ۱۳۵۸ش، ج ۶، ص ۱۵۷.</p> <p>۲۹. صدر، خاطرات صدرالاشراف، ۱۳۶۴ش، ص ۳۰۲.</p> <p>۳۰. امام خمینی صحیفه نور، جلد ۷، ص ۳۳۸.</p> <p>۳۱. همان ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۱۵.</p> <p>۳۲. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۶۷.</p> <p>۳۳. همان، صص ۲۶۷ و ۲۶۸.</p> <p>۳۴. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۷.</p>	<p>۱۰. قرارداد تقسیم آب هیرمند با مدیریت انگلیسی‌ها بین تهران و کابل در ۱۳۱۷ و جداشدن «دشت ناامید» به مساحت سه هزار کیلومتر از ایران و خارج‌شدن سرچشمه هیرمند از دسترس ایران که یکی از مشکلات بزرگ امروز ایران ریشه در همین خیانت دارد؛</p> <p>۱۱. واگذار کردن بخش‌هایی از خاک ایران به عراق و ترکیه براساس قرارداد سعدآباد که اکنون مشکلات بزرگی را برای جمهوری اسلامی در پی داشته است؛</p> <p>۱۲. قتل و ترور سران ایلیاتی به‌ویژه بختیاری‌ها و قشقایی‌ها؛ قتل ۲۵ تن از دلیرترین سران قشقایی و بویراحمدی و ممسنی؛</p> <p>۱۳. قتل روحانیون و فقهای چون شهید سیدحسن مدرس، شیخ محمد بافق، نواب صفوی و...<span>رحمه‌الله</span> به‌جرم مخالفت با برنامه‌های استعماری و ضددینی و فرهنگی رضاخان نیز از جمله جنایات این خاندان می‌باشد.</p> <p>.....</p> <p><b>• پی‌نوشت‌ها</b></p> <p>۱. ساروی، احسن التواریخ، ج اول، ۱۳۷۱، تهران: امیرکبیر، ص ۲۹، صص ۲۸۹، ۲۷۲.</p> <p>۲. علی‌عصر شمیم، ایران در دوره قاجار، ج هفتم، ۱۳۷۵، تهران: مدبر، ص ۱۸.</p> <p>۳. مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطه ایران، ج سوم، تهران، علمی، ۱۷۱، ۱۴۱۶ و ۱۷ و شمیم همان، ص ۲۹۱ و مسعود بهنود از سیدضیاء تا بختیار، ج سوم، تهران، جاویدان، ۶۹، ص ۱۰.</p> <p>۴. مدنی، تاریخ سیاسی معاصر، ج سوم، قم، مدرسین، ج ۱، ص ۱۲۱.۵ و شمیم «پیشین» ص ۴۹۶.</p> <p>۵. ۱۵۳.۶۳ و شمیم ص ۲۸۴.</p> <p>۶. همان، ص ۱۴۷.</p> <p>۷. مدنی، «پیشین»، ص ۱۴۷ و ۱۴۹ و ص ۱۹۰، ۱۹۰ و شمیم «پیشین» ص ۵۵۹.۶۴ و مسعود بهنود «پیشین» ص ۱۹۰، ۲۵، ۵۴.</p> <p>۸. مکی، تاریخ بیست ساله، ج اول، تهران، امیرکبیر، ۵۷، ج ۱، ص ۲۷۹، ۳۲۰ و مدنی، «پیشین» ص ۲۰ و ملک‌الشعراى بهار، تاریخ مختصر</p>
--	--